

با اینکه حرف
از «همه شمولی» در
افغانستان حرف
درستی است ولی
مراد کسانی که این
حرف را می‌زنند،
بازگشت به همان
نخبگان سیاسی
قومی فاسد قبلی
است، که طالب به
این امر تن نخواهد
داد

در افغانستان هم همین طور بود. وزارت اطلاعات و فرهنگ سهم شیعیان بود. در لبنان هم اینچنین است. اسم اینها دولت نیست. باید اسمش را تجمع گذاشت. مثلاً در لبنان چند وزارتخانه دست حزب الله است که وزیر آنها معتقد است که نخست وزیر؛ یعنی سعد حریری، عمیل (نوکر) سعودی و امریکاست. مشخص است نتیجه چیست؛ لذا اقتصاد و مقوله‌های دیگر از هم می‌پاشد.

معتقدم با اینکه حرف از «همه شمولی» در افغانستان حرف درستی است ولی مراد کسانی که این حرف را می‌زنند، بازگشت به همان نخبگان سیاسی قومی فاسد قبلی است، که طالب به این امر تن نخواهد داد.

شخصی به نام قیصاری که دست راست «دوستم» بوده و از رهبران ازبک‌های شمال است با یکی از رفقای ما در مورد تحولات جدید افغانستان مصاحبه‌ای کرد. بعداً ذیل عفو عمومی برگشت به کابل و ما به خانه اورفتیم. طالب خانه بزرگی را در اختیار او گذاشته بود و ۷۰-۶۰ نفر به عنوان هیأت همراه آنجا بودند! یکی از طالب‌ها گفت اینها را برای تکریم به هتل شرایتون بردیم چون بزرگان دولت قبل بودند ولی آنقدر هزینه‌هایشان زیاد شد که جبراً به اینجا آوردیم‌شان؛ چرا؟ چون مثل قبل خان و اربابی رفتار می‌کنند و کلی گماشته دور خودشان دارند!

معروف است که سران اینها مثل محمد نور و عبدالله عبدالله و بقیه، وقتی می‌خواستند از یک نقطه کابل به نقطه دیگر بروند ۳۰-۲۰ عدد ماشین مسیر را می‌بست و حداقل ۲۰۰ محافظ داشتند! تک تک این افراد، شبکه ماهواره‌ای و حزب دارند. لذا یک ساختار اینچینی در ساختار آن کشور در حوزه فرهنگی سیاسی وجود دارد که نشان می‌دهد در چه حد حرف زدن در مورد این پدیده پیچیده است.

برخی همین طوری می‌گویند خب انتخابات برگزار کنند در افغانستان. خب در این ۲۰ سال کار به جایی رسید که در آخرین انتخابات ۲۰ درصد شرکت کردند. اشرف غنی با رأی زیر یک میلیون رئیس جمهور شد! آن هم در دورانی که شعار امریکایی‌ها در افغانستان، انتخابات و زن بود! پس باید در مورد راهکارها فکر کرد که چه کار می‌شود کرد. من هم فکریایی کرده‌ام. اینکه در آینده طالب به سمت انتخابات برود یا نه، بعید می‌دانم. چون فهم‌شان از ساختار سیاسی قدرت، فهم سنتی است که مبتنی بر شورای حل و عقد شکل می‌گیرد یعنی همان نظریه سیاسی سنتی اهل سنت لذا به سمت چیزی شبیه به «لویه جرگه» رفته‌اند. دوسه بار هم در سال گذشته انتخابات برگزار کردند و علما، بزرگان و نخبگان طیف‌های مختلف از جمله شیعیان را دعوت کردند، یعنی انتخاباتی غیرمستقیم بود. ساختاری مثل بیعت در ذهن‌شان است ولی خودشان می‌گویند ممکن است در قانون اساسی ما بعداً چیزی به نام انتخابات هم باشد.

در افغانستان چیزی وجود دارد به نام «وکیل گذر» که بر اساس انتخابات انجام می‌شده و افراد تبلیغات می‌کردند و مردم به آنها رأی می‌دادند و امسال هم چنین شد. وکیل گذر خیلی اهمیت دارد مثلاً اگر چک را امضا کند حکم ضمانت دارد. این ساختار سنتی حاکم بوده است. در این ۲۰ سال امریکایی‌ها در حدود یک و نیم میلیارد دلار خرج تشکیل ساختار قضایی کرده‌اند، در صورتی که طبق آمار، حدود ۱۰ درصد مردم به این ساختار جدید مراجعه می‌کنند و اکثر مردم مشکلات‌شان را نزد معتمدین و وریش سفیدان و وکیل گذر حل می‌کنند.